

حادثه‌ی [ویروس] کرونا... یک ابتلای عمومی است، یک آزمون  
است؛ آزمون برای دنیا است؛ هم برای دولتها.  
ملت ایران در این آزمون درخشید.



# ویژه‌نامه ایام کرونا

مدرسه و موسسه آموزش عالی حوزوی  
زینیه — اردیبهشت ۱۳۹۹



## فهرست مطالب

- ۲.....چند حدیث درباره‌ی بهداشت و سلامت
- ۳.....زیبایی همدلی در بحران بیماری کرونا
- ۴.....سخنان سروش، زینبده‌ی علم و عالم نیست
- ۷.....روزه ماه رمضان و ترس از بیماری کرونا
- ۹.....بهره اخلاقی از بیماری کرونا



## چند حدیث درباره‌ی بهداشت و سلامت

۱- امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند:

هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ السَّلَامَةِ.

غررالحکم و دررالکلم، جلد ۶، صفحه ۳۸۰

۲- امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمایند:

شستن دست ها قبل از طعام، فقر و تنگدستی را می زداید و بعد از آن، ناراحتی ها و آفات را از بین می برد.

غَسَّلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ يُنْفِي الْفَقْرَ، وَبَعْدَهُ يُنْفِي الْهَمَّ

کلمه الإمام الحسن علیه السلام، صفحه ۴۶

۳- حضرت زهرا سلام الله علیها می فرمایند:

کسی که بعد از خوردن غذا، دست های خود را نشوید دست هایش آلوده باشد، - چنانچه ناراحتی برایش بوجود آید - کسی جز خودش را سرزنش نکند.

لَا يَلُومَنَّ امْرَأٌ إِلَّا نَفْسَهُ، يَبِيتُ وَفِي يَدِهِ رِيحُ عَمَرَ.

کنز العمال، جلد ۱۵، صفحه ۲۴۲، حدیث ۴۰۷۵۹

۴- امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

دست هایتان را قبل از خوردن غذا و بعد از آن بشوید.

اغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ.

المحاسن، جلد ۱، صفحه ۴۲۵

۵- حضرت سیدالشهدا علیه السلام می فرمایند:

در مدت عمر، در حفظ سلامت تن بکوشید.

بَادِرُوا بِصِحَّةِ الْأَجْسَامِ فِي مُدَّةِ الْأَعْمَارِ.

تحف العقول، صفحه ۲۳۹



## زیبایی همدلی در بحران بیماری کرونا



طنین فریاد همدلی در مقابله با ویروس کرونا با وجود تمام تبلیغات و بزرگنمایی رسانه‌های معاند خارجی برای ناامیدی مردم ایران در مقابل این ویروس در سراسر کشور از آغاز این بیماری جریان دارد و مردم و مسئولان با همدلی و همراهی با شعار ایران قوی باش؛ در حال شکست این بیماری هستند و به حول و قوه الهی در آخرین گامهای شکست دادن این ویروس هستیم.

برای گذر از این مشکل، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی، غیر دولتی و مردم نهاد، پویش‌هایی را برای پیشگیری از ابتلاء به کرونا، راه اندازی و اجرا کرده‌اند تا با همدلی، این ویروس را نابود و از بین ببرند.

این روزها همراهی و همدلی مردم و مسئولین به ویژه سپیدپوشان خط مقدم درمان این ویروس نوید این را می‌دهد که ما با صبر و توکل به خداوند و بکار بستن توصیه‌های بهداشتی و رعایت نکات ایمنی، به زودی کرونا را شکست می‌دهیم.

در این روزهای نسبتاً سخت انسان‌های از خود گذشته و بردبار با خوش بینی و همدلی با راه اندازی پویشهای مختلف، اعتقاد راسخ به این دارند که یاری خداوند شامل حال کسانی خواهد بود که در سختی‌ها به او توجه می‌کنند و هرگز ناامید نمی‌شوند و با تمام توان و با اراده‌های فولادین به مبارزه با سختی‌ها رفته و به آسیب دیدگان توجه ویژه می‌نمایند.

موج همکاری اقشار مختلف مردم در تأمین نیازهای جامعه به لوازم بهداشتی از جمله ماسک و لباس‌های مخصوص کادر درمان، صحنه‌های کم نظیری از مهربانی و ایثار را در تاریخ این مرز و بوم خلق کرد.

بابت این نعمت بزرگ خداوند متعال را شاکریم و به ایرانی بودن خود مباهات می‌کنیم.

ان شا الله هر روز شاهد درخشش و شکوفایی این مرز و بوم در همه‌ی عرصه‌ها باشیم و با عشق و همدلی در کنار یکدیگر، تهدیدات را به فرصت‌ها تبدیل نماییم.



## روزه ماه رمضان و ترس از بیماری کرونا

نوشتاری از آیت الله ابوالقاسم علیدوست عضو هیات علمی گروه فقه و حقوق اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی:

اخیراً بحثی در برخی فضاهای مجازی راجع به موضوع فوق (حکم روزه در ماه رمضان بر فرض خوف روزه دار از گرفتن یا تشدید مرض ناشی از ویروس کرونا به واسطه روزه گرفتن) صورت گرفته است.



مطالب خوبی گفته شده است لکن سخنان غیر فنی هم کم گفته نشد. برخی هم به طور غیر جامع حکم به جواز روزه نگرفتن کردند. در پیوند با موضوع فوق نکاتی را یادآور می‌شویم:

۱- آنچه در ادامه گفته می‌شود، هرچند مطابق قاعده و بالطبع نباید در آن اختلافی صورت گیرد، لکن مقلدان باید نظر مرجع خود را در این باره جویا شوند. با این همه، این بحث خالی از فایده نیست و در ادامه وجه آن روشن می‌گردد.

۲- مسئله فوق، هیچ خصوصیتی ندارد و از مصادیق مسلم مسئله معروف رفع وجوب روزه رمضان بر فرض خوف ضرر است. تنها ویژگی آن، عارض ثانوی آن است که اگر فقیهان و مراجع عظام در این باره چه در محتوا، چه در شکل بیان آن به نقطه واحدی نرسند یا باری بر دوش فقه نهاده شود که مسئول حمل آن، فقه نیست ممکن است عوارض نامطلوبی داشته باشد. بنابراین - با توجه به وضوح حکم شرعی در این باره و عدم قابلیت اختلاف در آن - رسیدن به قراری معین کاملاً مورد انتظار است. هرچند امیدواریم با لطف عمیم خداوند تا آن روز ریشه این ویروس برچیده شود.

۳- در مسئله آنچه معیار جواز روزه نگرفتن (بلکه حرمت روزه گرفتن) است خوف شخص روزه دار از گرفتن این مرض یا تشدید آن است البته قول کارشناس می‌تواند طریقی برای ایجاد خوف یا رفع خوف در شخص روزه دار باشد. بنابراین نظر کارشناس امین طریقت دارد نه موضوعیت.

۴- در جواز روزه نگرفتن باید توجه کرد که گاه روزه دار می‌تواند با تدابیری خوف خود را بر طرف کند مثلاً با خوردن برخی غذاها و نوشیدن برخی نوشیدنی‌ها در سحر و در فاصله افطار تا سحر و بیرون رفتن از منزل

— بدون اینکه عسر و حرجی برای او باشد — می تواند آب بدن را برای یک روز تأمین کند نظیر افرادی که ناراحتی کلیه دارند و برخی پزشکان به ایشان این پیشنهاد را می دهند. همچنین اگر بتواند با جویدن برخی جویدنی ها که مبطل روزه نیست و مشکل مرض را حل می کند تکلیف روزه را انجام دهد. طبیعی است که در این مورد هم نظر کارشناس می تواند برای روزه دار ایجاد اطمینان کند و راهگشا باشد.

۵- در هر صورت مسافرت برای روزه نگرفتن واجب نیست ولی قضای روزه در فصل مناسب لازم است.

### یادآوری دو نکته:

۱- برخی از اساتید مطرح کرده بودند که قول ثقه و بینه در کنار خوف ضرر از روزه گرفتن، مجوز افطار است. در پاسخ به این نکته باید گفت آنچه مورد اتفاق فقها است خوف ضرر است و البته برخی مثل مرحوم آیت الله خویی قول ثقه حاذق را هم اضافه کرده اند لکن مطرح کردن شهادت بینه در اینجا ناصحیح است زیرا بینه در شهادت بر محسوسات نظرش اعتبار دارد و در این جا شهادت بر محسوس نیست زیرا متعلق شهادت در فرض بحث ضرر داشتن روزه برای من روزه دار است و این امری حدسی است نه حسی. شاید توهم شده که متعلق شهادت ضرر داشتن روزه و عدم آن به طور کلی است تازه همین هم که باشد که نباید باشد باز هم شهادت بر حسی نیست. بنابر این طرح بینه در اینجا غلط است، ضمن اینکه در اعتبار کلیت بینه نیز اختلاف است.

۲- باید توجه کرد که ضرر، خوف ضرر، حرج، عسر و نهادهای مشابه گاه توسط شارع مقدس در جعل حکم ملاحظه می شود، در این جا است که معمولاً ضرر نوعی، خوف نوع مردم از ضرر، حرج نوعی و امثال آن توسط قانون گذار ملاحظه می شود. لکن ضرر، حرج یا خوف از ضرر وقتی در سلسله پس از جعل و در زمان امتثال حکم مطرح می شود، ضرر، حرج و خوف شخصی مراد است. نباید حضور این نهادها را در فرایند جعل با فرض حضور این نهادها پس از جعل و در فرایند امتثال یکی دانست.

در پایان باید گفت آنچه مهم است فضا سازی رسانه ها در پیوند با این امر است تا دشمنان تدین مردم، این مسئله را وسیله ای برای اعتقاد زدایی مؤمنان قرار ندهند. خداوند بزرگ همه امور را اصلاح نماید و همگان را از شرور آخر الزمان و از هجوم امواج ضلال در امان نگه دارد.





## بهره اخلاقی از بیماری کرونا

یادداشتی از حجت الاسلام دکتر محمدرضا جباران عضو هیات علمی گروه اخلاق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

نیاز به توضیح ندارد که جهان در شرایط خاصی به سر می برد. حادثه گرفتاری بشریت به یک بیماری جهانی چیزی نیست که هر کس بتواند در عمر خود آن را تجربه کند. این حادثه از حوادث کم تکراری است که انسان می تواند در کشاکش مقابله و مبارزه با آن بهره های انسانی و معنوی از آن ببرد. یکی از زمینه های بهره وری از این قبیل حوادث اخلاق است. انسان در صورت توجه می تواند در همان حال که با تمام راه های عقلایی با این بیماری مبارزه می کند برای رشد اخلاقی خود نیز قدمی بردارد. این چیزی است که منابع دینی ما با تأکید و تکرار از ما خواسته اند. یکی از ابعاد اخلاقی انسان که در مقابله با مصیبت ها امکان رشد می یابد، صبر است. صبر در مقابل مصیبت از فضایی است که قرآن و پیشوایان معصوم ما برای انسان لازم دانسته اند. بر این اساس در این نوشته تلاش می کنم صبر در برابر مصیبت را به طور خلاصه معرفی کنم.

### صبر بر مصیبت

زندگی هیچ کس برای مدتی طولانی از مصیبت خالی نیست فقر و محرومیت، بیماری های گوناگون، نقص عضو، معلولیت، ازدست رفتن عزیزان و دیگر حوادث اندوهبار به طور عادی و گاه پی در پی و متراکم در زندگی هر کس اتفاق می افتد و انسان را نه از آن ها گریزی و نه در آن ها اختیاری است. به هنگام مصیبت، انسان به صبر و خوشتن داری نیازمند است تا از بی تابی در امان بماند و از گفته های نابهنجار و کردار نا بسامان دوری کند.

قرآن کریم به این قسم از صبر اهمیت ویژه ای داده و با ذکر همه ابعاد به طرح آن پرداخته است، به این معنی که اصل مصیبت و انواع عمده آن مثل فقر و گرسنگی، نا امنی، مرگ و نقص عضو و فقدان عزیزان را نام برده؛ ضرورت صبر در برابر مصیبت ها را خاطر نشان ساخته، کیفیت و معنی صبر بر مصیبت را بیان کرده و آثار و نتایج آن را نیز برشمرده است.

به عنوان نمونه در سوره بقره آورده است خودداری از بی‌تابی و پرهیز از کارهایی مثل گریبان پاره کردن، به صورت نواختن، زیاده روی در شکایت و اظهار اندوه و افسردگی و تغییر وضع لباس، خوراک و ظاهر زندگی که همگی در اختیار انسان است، مصداق صبر بر مصیبت محسوب می‌شود. از این رو انسان مصیبت دیده باید از همه اینها دوری جسته خشنودی خود را از قضای الهی اظهار کند، و زندگی خود را به صورت عادی ادامه دهد.

### شکایت

یکی از عناصری که صبر در مقام مصیبت را مختل می‌کند شکایت است؛ بنابر این، شناخت شکایت و رابطه آن با بی‌تابی انسان را در تحقق صبر یاری می‌کند. شکوه از مشکلات، نشانه بی‌تابی و ناخشنودی از مقدرات الهی است. این کار ناشایست اگر چه در آغاز فقط معلول و حاکی از یک رذیله نفسانی است؛ ولی به تدریج خود به عنوان یک عامل تأثیرگذار، بذر دشمنی با قضای الهی را در دل می‌افشاند، دشمنی با خواسته و مشیت الهی به تدریج در جان آدمی رشد می‌کند و در نهایت به دشمنی با ذات اقدس خداوندی تبدیل می‌شود. تکرار شکایت، بغض و کینه را در نفس و روح ریشه دار و درمان بیماری را مشکل تر می‌کند. به همین دلیل به صراحت منع و نکوهش شده. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: اِذَا أَصَاقَ الْمُسْلِمَ فَلَا يَشْكُو رَبَّهُ، مسلمان نباید در گرفتاری از پروردگار شکایت کند.

شکایت از قضای الهی علاوه بر این که به خودی خود خلاف آداب بندگی است و شایسته پیشگاه خداوندی نیست، نشانه ضعف معرفت به حضرت پروردگار است. کسی که رحمت خدا را می‌شناسد و از حکمت او با خبر است، از مصائب و گرفتاری‌ها شکوه نمی‌کند، چون می‌داند که آن مهربان جز به خیر و مصلحت او کاری نمی‌کند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «مَنْ أَجْلَلَ اللَّهَ وَمَعْرِفَهُ حَقَّهُ أَنْ لَا تَشْكُو وَجَعَكَ وَلَا تَذْكُرَ مَصِيبَتَكَ، از بزرگداشت خدا و حق شناسی نسبت به او است که از درد خود شکایت نکرده و مصیبت خود را به کسی نگویی».

شکایت خدا به مخلوق افزون بر آنچه گفته شده کاری است بیهوده که دردی را درمان و مشکلی را حل نمی کند چرا که خدا از بندگان مهربان تر و در حل مشکلات بندگان توانا تر است؛ بنابراین شکایت از خدا نشان نشناختن قدرت و رحمت اوست. کسی که قدرت خدا را باور دارد و به رحمت او معتقد است شکایت جز به پیشگاه او نمی برد.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «إِجْعَلْ شَكْوَاكَ إِلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى غِنَاكَ، شکایت به کسی بر که می تواند تو را بی نیاز کند.» «شکایت از خدا این نیست که انسان برای چاره جویی درد و گرفتاری خود را با کسی بگوید، چرا که انسان همانطور که موظف است صبر کند و وظیفه دارد برای درمان درد و رفع مشکل خود از روش های عقلایی چاره جویی کند. ماهیت اصلی شکایت همان نارضایتی از تقدیر الهی است. امام صادق (ع) فرمود: «شکایت این است که انسان بگوید: به دردی دچار شده ام که کسی به آن دچار نشده یا بلایی به سرم آمده که به سر کسی نیامده؛ ولی گفتن این که دیشب تا صبح خوابم نبرد یا امروز تب دارم، شکایت نیست.» این سخن شریف در صدد ترسیم یک نمونه از انسان های شاکی است. منظور از این سخن این نیست که صرف گفتن این جمله مصداق شکایت و غیراخلاقی است؛ بلکه منظور از آن تبیین روحیه ای است که اینگونه سخن گفتن را پشتیبانی می کند.

بر اساس آنچه گذشت زینده است که در این ایام، ضمن احتیاط برای پیشگیری از ابتلا و مبارزه عقلایی برای ریشه کن کردن این آفت از کره زمین، در صدد تمرین صبر در برابر این مصیبت نیز باشیم

### تمرین صبر

انسان در مسیر تکاملی خود برای دستیابی به هر یک از ملکات حسنه ناگزیر از پیمودن مسیر کامل رسیدن به آن فضیلت است، به این معنی که در آغاز، با دشواری و تکلف آن صفت انسانی را بر خویشتن هموار کند و به عبارت دیگر ظاهر خود را مانند کسانی بیاراید که آن صفت را دارند و به قدری این تظاهر را در موارد گوناگون تکرار کند که از تکلف بی نیاز و مخالفت نفس برای او آسان شود و سرانجام به حالتی دست یابد که نفس در برابر فرامین عقل و شرع مقاومت نکند و برای نگهداری او در حدود الهی نیازی به مبارزه نباشد. کسی که در حال تمرین صبر است تظاهر به صبر می کند؛



ولی نفسش رام نیست؛ بلکه همانند مجرمی سرکش است که در بندش کشیده‌اند و چون لحظه‌ای از او غافل شوی بند برمی‌دارد، مجرمانه می‌گریزد و به جنایات خود ادامه می‌دهد؛ از این رو پیوسته در زحمت و به مراقبت نفس مبتلاست. اما آن که از این مرحله گذشته و نفسش را مطیع و فرمانبردار کرده نیازی به این مراقبت پیوسته ندارد؛ چون نفسش خواهشی فراتر از حدود عقل و شرع ندارد

این حالت که به آن **تَصَبَّر** گفته می‌شود، هر چند دشوار، ولی ارزشمند است. **تَصَبَّر** مرحله‌ای سازنده است که انسان را به مقام صبر می‌رساند. یکی از منازل ترقی انسان به سوی معنویت و گام اساسی برای دستیابی به ملکه نفسانی زیبای صبر است. از این رو، برترین نوع صبر و خویشتن داری، **تَصَبَّر** است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: **أَفْضَلُ الصَّبْرِ التَّصَبُّرُ**، برترین صبر، **تَصَبَّر** است. و هم از این رو توصیه می‌شود خود را به آن عادت دهیم.

امام علی (ع) می‌فرماید: **«عَوِّذُ نَفْسِكَ التَّصَبُّرُ، نَفْسُكَ رَا بَهِ تَصَبَّرُ عَادَتُ بَدَه»**.  
فایده **تَصَبَّر** آن است که اگر انسان با اعتقاد راسخ به نصرت الهی و ایمان به پیروزی نهایی، بر شیوه **تَصَبَّر** که همان تقوای الهی و پروای از خداست مداومت ورزد، امداد الهی از راه می‌رسد، صبر آسان می‌شود و دیگر زحمت و مشقتی وجود نخواهد داشت. چنان که خداوند سبحان می‌فرماید: **فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى**، اما آنکه حق خدا را داد و پروا داشت و پاداش نیکوتر را تصدیق کرد، بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت.

امیرالمؤمنین (ع) نیز می‌فرماید **«مَنْ يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللَّهُ، هَرَكْسَ أَظْهَارَ صَبْرٍ كَنْدَ خِدا صَبْرَشْ** می‌دهد.



نظر حجت الاسلام محمدصفر جبرئیلی عضو هیأت علمی گروه کلام پژوهشگاه درباره مصاحبه‌ی آقای سروش:

بعد از ماجرای کرونا مصاحبه آقای سروش را خواندم و واقعاً تأسف خوردم که چرا فردی در این جایگاه که خود را حکیم می‌داند و تفسیر عارفانه از دین دارد، این قدر بی‌مهابة سخنانی مطرح کرده که زینده علم و عالم نیست. زینده کسی که مدعی روشنفکری و حکمت و اهل توصیه به دینداران است، نیز نیست.

وی با بیان اینکه به کار بردن واژگانی مانند زباله دان و مزبله و یا حکم کلی دادن، زیرسؤال بردن کسانی مانند علامه طباطبایی، آیت الله قاضی و جوادی و برخی شخصیت‌های دانشگاهی، تاختن به اعتقادات شیعه مانند زیارت و مهدویت و توسل و حتی قدری زیر سؤال بردن خدا، شایسته چنین فردی نیست، افزود: واقعاً از این بابت متأسفم و تعجب می‌کنم که چطور ایشان این گونه وارد این وادی شده است.

جبرئیلی با بیان اینکه سخنان سروش هشت عنوان کلی دارد، گفت: دین، خدا، تشیع، حکومت دینی با محوریت جمهوری اسلامی، رابطه علم و دین، روحانیت، بیان نامناسب و قضاوت نادرست نسبت به چند شخصیت علمی و دینی و قم و جایگاه آن عناوین قابل استخراج از سخنان اوست.

در این مصاحبه پرسشگر همسو و البته زرنکی که خیلی درصدد است تا آقای سروش را به مطلوب مورد نظر خود بکشانند، می‌گوید: «چرا دروازه‌های دوزخ از شهری باز شد که بنابر روایات نزدیک به نیمی از دروازه‌های بهشت از آن گشوده می‌شود؟».

جبرئیلی تأکید کرد: ای کاش آقای سروش در تأیید سخن این پرسشگر، قدری صبر می‌کردند و تعابیری مانند دروازه دوزخ را استفاده و یا مورد تأیید قرار نمی‌دادند؛ زیرا همین ویروس از جاهایی که خود آن حضرات دلداده آن هستند و هیچ ارتباطی هم با قم ندارند، هم سر بر آورد و وضعیت بسیار بدتری هم پیدا کرد که امروز در کشورهایی مانند آمریکا، انگلیس، اسپانیا و ایتالیا مشاهده می‌کنیم.

بلاها در زمان انبیاء و ائمه (ع) هم وجود داشته‌اند.



عضو هیأت علمی گروه کلام پژوهشگاه با بیان اینکه وبا، تیفوس، بیماری‌های دیگر، سیل، زلزله و ... در طول تاریخ و در شهرهای مذهبی و غیر مذهبی و حتی در زمان خود انبیاء و ائمه (ع) چنین بلاها و گرفتاری‌هایی وجود داشته است، اظهار کرد: سروش در بخشی از سخنانش به سه نوع دینداری اشاره کرده و گفته که دینداری معیشت‌اندیش همان دینداری عوامانه است و پشتوانه و حامیان آن هم روحانیون هستند و در ادامه نقد به خدای دین معیشت‌اندیش هم کرده و نقش خدا را زیر سؤال می‌برد. برای پاسخ به سخن وی، چهار مسئله را می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ کدام خدا؟، نقش خدا، خدا و مسئله شر، خدا و دعا.

استاد جبرئیلی افزود: آقای سروش درباره محور اول بحث از خدا یعنی کدام خدا، با تقسیم الهیات به معیشت‌اندیش و معرفت‌اندیش که البته ایشان در آنجا تعبیر به دین می‌کند، ولی در خلال سخن از واژه الهیات هم بهره می‌گیرد، معتقد است «خدا در دین معیشت‌اندیش خلأهای زندگی را پر می‌کرد، پیروان این الهیات هر اتفاقی که می‌افتاد می‌گفتند که خداوند کرده است. می‌گفت خدا به من یک دختر داده، خدا جان من را حفظ کرده. در هر حادثه خاصی پای خداوند را به میان می‌آوردند، البته در این که علل خداوند است، بحثی و شکی نداریم، اما اشکال این برداشت این است که خدا را در عرض علل طبیعی می‌نشانند و این خطاست. حجت‌الاسلام جبرئیلی تصریح کرد: آقای سروش از این نوع الهیات به الهیات انسان‌وار یاد می‌کند و آن را سست و قبیلگی می‌داند و خدای آن را تبعیض‌گر، ضعیف‌گش و ابزار قدرت و ثروتی به نام دین معرفی می‌کند؛ در مقابل از الهیات و تأملات حکیمانه و معرفت‌اندیش یاد می‌کند که خدای آن خدای راز و نازست، معشوق مطلق و مُحْتَشَم است، ما را به عاشقی دعوت می‌کند تا ما را به مرتبه معشوقی برساند؛ خدایی که ظالم و تبعیض‌گر نیست، ابزار قدرت و ثروت به نام دین به دست ما نمی‌دهد. او تصریح می‌کند که خدای عبدالکریم سروش چنین است.

عضو هیأت علمی گروه کلام پژوهشگاه در نقد و بررسی این بخش از سخنان وی اظهار کرد: تفسیر آقای سروش از خدا و خداپرستی درست و مورد تأیید نصوص هم هست؛ قرآن کریم فرموده است که ... يُجِبُّهُمْ وَيُجِبُّونَهُ... و همه الهیون مسلمان آن را قبول دارند، ولی بحث در انحصار این تفسیر و خروج آن از تفسیر دیگر است، چون الهیات اسلامی ترکیبی از هر دو است؛ ترکیبی از جهان بالا و جهان پایین است؛ هدف ایصال انسان به کمال مطلوب، یعنی قرب الی الله است.

وی ادامه داد: برای طی مسیر عشق (تزکیه) باید تخلیه، تحلیه و سپس تجلیه کرد. باید نیست‌ها، نبایدها و ناشایست‌ها را کنار زد و به هست‌ها، بایدها و شایسته‌ها تحلی کرد تا از ظلمات به نور رسید: يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ بنابراین باید به ایدئولوژی هم التزام یافت تا بتوان طی طریق کرد و به مسیر عشق پای نهاد و به معشوق رسید؛ البته ممکن است انسان‌هایی یکباره به آن مرتبه از معرفت و عشق برسند، ولی اوساط از آحاد مردم را هم باید لحاظ کرد.

### ناسازگاری توصیف سروش با جامعیت دین

جبرئیلی بیان کرد: انحصار توصیف خدا به راز و ناز و عشق و عاشقی با جامعیت دین و شریعت سازگار نیست؛ در شریعت شارع خداست؛ شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ... (شوری/ ۱۳) و هدف آن اقامه دین است: ... أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ که در مواردی اقامه دین به صرف حب و عشق تحقق پیدا نمی‌کند. هیچ الهی‌دان مسلمانی نگفته است خدا، تبعیض‌گر و ضعیف‌کش است، نه در دنیا و نه در آخرت؛ در دنیا هر وقت کار دست بندگان خدا بوده مظلومان و مستضعفان ارتقا یافتند و در نهایت جهان به اهل آن می‌رسد و عاقبت از آن مستضعفان و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص/ ۵) و اهل تقواست (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (قصص/ ۸۳).

وی تأکید کرد: وجود ظلم و تبعیض نشانه بی‌خدایی یا عدم اعتقاد صحیح به خداست: «... وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف/ ۱۵۷) در آخرت هم مستضعفان فکری اهل نجات و رستگاری خواهند بود؛ «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَ لَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» (نساء/ ۹۸). از جمله ویژگی‌های انسان در دنیا و آخرت، برابری و مساوات در چند چیز از جمله در رابطه با خدا، در آفرینش و بن‌مایه‌های انسانی، در امکان تعالی و تکامل، در رابطه با نعمت‌های جهان است.

جبرئیلی با بیان اینکه، انسان علاوه بر حب و عشق به خداوند به معنویت، امنیت، آزادی و آرامش در عرصه‌های فردی و اجتماعی هم نیاز دارد، اظهار کرد: اینکه پیروان این الهیات هر اتفاقی که می‌افتاد می‌گفتند خداوند کرده است. می‌گفت خدا به من یک دختر داده، خدا جان من را حفظ کرده است نشان از تنزل خداوند در عرض علل طبیعی نیست بلکه همان معنای *عله‌العلل* بودن خداوند است که در همه امور ریز و درشت عالم مستقیم و یا غیر مستقیم نقش دارد.

وی در پایان این بخش از گفت‌وگو بیان کرد: در قرآن کریم نیز به این نوع نگاه به خداوند پرداخته شده است؛ برای مثال در داستان پرتاب تیر از جانب پیامبر (ص) و مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى؛ هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب کردی، تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد (انفال/۱۷) یا شفای مریضان (وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ، وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ) «شعراء/۸۱-۷۸) یا یکایک مراحل خلقت انسان (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) (مؤمنون/۱۴) به این مسائل اشاره می‌فرماید. از انسان موحد هم چیزی جز این انتظار نیست که با وجود پذیرش علل طبیعی، خدا را *عله‌العلل* بداند.